

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. احکام؛ نکاح، حجاب و روابط جنسی
۲. احکام؛ طلاق، لعان، ایلاء و عده

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: محسن

لطفاً درباره‌ی آیات نشوز توضیح کامل دهید. تکلیف زن و شوهر، هنگامی که زندگی آن دو متشنج و پرتنش می‌شود، چیست؟

در قرآن، همان طور که صراحتاً به حسن معاشرت با زن امر شده، به ضرب زنان ناشزه پس از موعظه و دوری از هم‌خوابگی اشاره شده است. حدود و حکمت آن چیست و سیره‌ی پیامبر و اهل بیت در مواجهه با آن چگونه بوده است؟

در صورت امکان، درباره‌ی شقاق که وضعیتی ورای نشوز است هم توضیح دهید.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۳/۵/۹

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. بنا بر قرآن و سنت، وظیفه‌ی زن در قبال شوهر، «تمکین» و «اطاعت» است؛ به این معنا که باید امکان رابطه‌ی جنسی مناسب را برای شوهر فراهم کند و خواسته‌ی مشروع او را بر خواسته‌ی خود مقدم دارد و وظیفه‌ی شوهر در قبال زن، «تأمین نفقه» و «حسن معاشرت» است؛ به این معنا که باید نیازهای متعارف زن را تأمین کند و با او به عدالت و احسان رفتار نماید.

۲. «نشوز» در اصطلاح، هنگامی تحقق می‌یابد که یکی از زن و شوهر، وظیفه‌ی خود در قبال دیگری را انجام ندهد و «شقاق» در اصطلاح، هنگامی تحقق می‌یابد که هیچ یک از زن و شوهر، وظیفه‌ی خود در قبال دیگری را انجام ندهند. در این هنگام است که محبت جای خود را به نفرت و آرامش جای خود را به تنش می‌دهد و زندگی مشترک به کام هر دو تلخ می‌شود و هر دو از آن زیان می‌بینند.

بنابراین، بر هر دو واجب است که با انجام وظیفه‌ی خود، از تحقق نشوز و شقاق پیشگیری کنند.

۳. خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا﴾؛ «زنانی که از نشوزشان می‌ترسید، آن‌ها را پند دهید و در بسترها از آن‌ها دوری کنید و آن‌ها را بزنید، پس اگر مطیع‌تان شدند، راهی بر آنان نجوید». بنابراین، هرگاه زن وظیفه‌ی خود در قبال شوهر را انجام ندهد، شوهر باید او را پند دهد و آن در سه مرحله قابل انجام است: نخست با احترام و گفتار نرم، عیب کارش را برایش توضیح دهد و تبعات آن در دنیا یا آخرت را برایش بیان کند، تا اگر جاهل است آگاه شود و اگر غافل است متذکر. پس اگر سودی نداشت، با گفتار سخت و درشت او را پند دهد، بدون اینکه دشنام دهد یا تهمت زند. پس اگر سودی نداشت، از محرمی که احتمال می‌دهد پندش مؤثر باشد بخواهد تا او را پند دهد. پس اگر سودی نداشت، می‌تواند در بستر از او دوری نماید و آن در دو مرحله قابل انجام است: نخست داخل خانه، با حالت قهر، در بستری جدا بخوابد، تا او به ناراحتی و خشمش پی ببرد و پندش را جدی بگیرد؛ چنانکه روایت شده است: «لَا تَهْجُرْ إِلَّا فِي الْبَيْتِ»^۱؛ «جز در خانه دوری نکن». پس اگر سودی نداشت، در بستری جدا بیرون از خانه بخوابد؛ زیرا روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۲۹ روز از همسران خود دوری کرد و در جایی بیرون از خانه خوابید^۲. پس اگر باز هم سودی نداشت، می‌تواند او را به صورتی که منجر به شکستگی، زخم یا کبودی نشود بزند؛ چراکه مجرم است و مستحق تعزیر محسوب می‌شود، هر چند بهتر است که این کار را نکند؛ چراکه روایت شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا تَضْرِبُوا إِمَاءَ اللَّهِ، فَتَرْكُوا الضَّرْبَ، فَجَاءَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذُبِرَ النِّسَاءُ عَلَى أَرْوَاجِهِنَّ، فَأَذِنَ فِي ضَرْبِهِنَّ، فَأُطَافَ بِأَلِ مُحَمَّدٍ نِسَاءٌ كَثِيرٌ كُلُّهُنَّ يَشْكِينَ أَرْوَاجَهُنَّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَقَدْ أَطَافَ بِأَلِ مُحَمَّدٍ نِسَاءٌ كَثِيرٌ كُلُّهُنَّ يَشْكِينَ أَرْوَاجَهُنَّ، وَلَا تَجِدُونَ أَوْلَئِكَ خِيَارَكُمْ»^۳؛

۱. النساء / ۳۴

۲. مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۱۴۸؛ أدب النساء لعبد الملك بن حبيب، ص ۲۵۰؛ مسند أحمد، ج ۳۳، ص ۲۱۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۹۳؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۲۴۴؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۶۷۶؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۸، ص ۲۶۶

۳. بنگرید به: حدیث علی بن حجر عن إسماعیل بن جعفر، ص ۱۵۶؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱۰، ص ۱۷۶؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۳۳۲؛ مسند أحمد، ج ۲۰، ص ۳۵۸؛ صحيح البخاري، ج ۳، ص ۲۷؛ سنن الترمذي، ج ۳، ص ۶۴؛ مسند البزار، ج ۱، ص ۳۲۱؛ سنن النسائي، ج ۶، ص ۱۶۷.

۴. مسند الشافعي، ص ۲۶۱؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۹، ص ۴۴۲؛ مسند الحميدي، ج ۲، ص ۱۲۵؛ أدب النساء لعبد الملك بن حبيب، ص ۲۴۸؛ مسند الدارمي، ج ۳، ص ۱۴۲۴؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۲۴۵؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۶۷۱؛ الأحاد والمثاني لابن أبي عاصم، ج ۵، ص ۱۸۴؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۸، ص ۲۶۳

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کنیزان خدا (یعنی زنان) را زنید! پس مردم زدن آن‌ها را ترک کردند، تا اینکه عمر بن خطاب آمد و گفت: ای رسول خدا، زنان بر شوهران خود دلیر شده‌اند! پس اذن داد که آن‌ها را بزنند، پس زنان بسیاری به نزد خانواده‌ی پیامبر آمدند و از شوهران خود شکایت کردند (که آن‌ها را زده‌اند)، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زنان بسیاری به نزد خانواده‌ی من آمدند و از شوهران خود شکایت کردند (که آن‌ها را زده‌اند)، شوهران آن‌ها را از خوبان خود نمی‌یابید» و روایت شده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اسْتَوْذَنَ فِي ضَرْبِ النِّسَاءِ، فَقَالَ: اضْرِبُوا، وَلَنْ يَضْرِبَ خِيَارَكُمْ»؛ «از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اذن خواستند که زنان خود را (در وقت نشوز) بزنند، پس فرمود: می‌توانید بزنید، ولی خوبانتان نمی‌زنند». پس اگر زدن هم سودی نداشت، از دو حالت خارج نیست: یا نافرمانی زن در ارتباط با شوهر و کارهای خانه است، یا در ارتباط با دین و واجبات و محرمات. در حالت نخست، برای مرد بهتر است که بر نافرمانی زن صبر کند؛ چراکه روایت شده است: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَاحْتَسَبَ الْأَجْرَ مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَى بَلَائِهِ»؛ «هر کس بر اخلاق بد زنش صبر کند و اجر خود را از خداوند بخواهد، خداوند به او ثوابی مانند ثواب ایوب در بلایش عطا می‌فرماید» و روایت شده است: «إِنَّ الْمَرْأَةَ كَالضَّلْعِ، إِنْ أَقَمَّتَهَا كَسَرَتْهَا، وَإِنْ تَرَكْتَهَا اسْتَمْتَعَتْ بِهَا وَفِيهَا عَوَجٌ»؛ «مثل زن، مثل دنده است که اگر بخواهی راستش کنی آن را می‌شکنی و اگر به حال خودش بگذاری از آن بهره‌مند می‌شوی در حالی که کج است»، ولی در حالت دیگر، برای مرد بهتر است که زن را طلاق دهد؛ چراکه زندگی با زنی که از خداوند و روز قیامت نمی‌ترسد، مفاسد بسیاری دارد و اگر منکر یکی از ضروریات باشد، جدا شدن از او واجب است؛ چراکه خداوند فرموده است: «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ»؛ «پیوند با زنان کافر را نگاه ندارید».

۱. الأم للشافعي، ج ۶، ص ۱۵۶؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۲۲۳؛ أدب النساء لعبد الملك بن حبيب، ص ۲۴۸؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۶۷۹؛ المستدرک على الصحيحين للحاكم، ج ۲، ص ۲۰۸؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۴۹۶.
 ۲. مسند الحارث، ج ۱، ص ۳۰۹؛ ثواب الأعمال لابن بابويه، ص ۲۸۷.
 ۳. مصنف عبد الرزاق، ج ۴، ص ۳۰۱؛ حديث خالد بن مرداس السراج، ص ۳۱؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۴، ص ۱۹۷؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۲، ص ۲۰۸؛ أدب النساء لعبد الملك بن حبيب، ص ۲۵۲؛ مسند أحمد، ج ۱۵، ص ۳۲۱؛ مسند الدارمي، ج ۳، ص ۱۴۲۶؛ صحيح البخاري، ج ۷، ص ۲۶؛ صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۸؛ تاريخ المدينة لابن شبة، ج ۳، ص ۷۹۱؛ سنن الترمذي، ج ۳، ص ۴۸۵؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۶۵۵؛ مسند البزار، ج ۹، ص ۳۸۴؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۸، ص ۲۵۱؛ الكافي للكليني، ج ۵، ص ۵۱۳؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۳، ص ۴۴۰.
 ۴. الممتحنة / ۱۰

«اگر زنی از نشوز یا رویگردانی شوهرش بترسد»، پس زن قبلی‌اش به صلح راضی شد و همسرش ماند»، ولی در حالت دیگر، برای زن بهتر است که از شوهر جدا شود؛ به این صورت که بخشی از مهر خود یا همه‌ی آن یا حتی مالی بیشتر را به او ببخشد در ازای اینکه او را طلاق دهد؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ ۖ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ۗ وَلَا يَجِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۚ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۚ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»**^۱؛ «طلاق دو بار است، پس (در هر بار) یا به شایستگی نگاه دارید و یا به نیکی رها سازید و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به زنان داده‌اید را بگیرید، مگر اینکه زن و شوهر بترسند که حدود خداوند را رعایت نکنند، پس اگر ترسیدید که حدود خداوند را رعایت نکنند، گناهی بر آن دو نیست که زن (برای طلاق) فدیهای بپردازد، آن حدود خداوند است، پس از آن نگذرید و هر کس از حدود خداوند بگذرد، آنان همانا ظالمانند».

۵. خداوند در کتاب خود فرموده است: **«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»**^۲؛ «پس چون از شقاق میان آن دو ترسیدید، داوری از خانواده‌ی مرد و داوری از خانواده‌ی زن برانگیزید، اگر بخواهند آشتی دهند خداوند به توافق آن دو کمک می‌کند». بنابراین، هرگاه زن و شوهر به حاکم شرع مراجعه کنند، در حالی که هر یک دیگری را متهم به کوتاهی و خود را از آن تبرئه می‌کند، بر حاکم شرع واجب است که داوری از خانواده‌ی مرد و داوری از خانواده‌ی زن برانگیزد، تا میان آن دو داوری کنند. پس اگر هر دو داور به این نتیجه رسیدند که مرد مقصر است، حاکم شرع او را مجبور می‌کند که یا وظیفه‌اش در قبال زن را انجام دهد یا او را طلاق دهد و اگر هر دو داور به این نتیجه رسیدند که زن مقصر است، حاکم شرع او را مجبور می‌کند که یا وظیفه‌اش در قبال شوهر را انجام دهد یا او را با دادن فدی به راضی به طلاق کند و اگر هر دو داور به این نتیجه رسیدند که ادامه‌ی زندگی آن دو به مصلحت نیست، حاکم شرع مرد را مجبور به طلاق می‌کند و گفته شده است که دو داور، هرگاه مصلحت را در جدایی آن دو از هم ببینند، خود می‌توانند آن دو را از هم جدا کنند، ولی این در صورتی قابل قبول است که پیش از داوری، با آن دو شرط کرده باشند و از آن دو وکالت گرفته باشند؛ چنانکه از اهل بیت روایت شده است:

۱. البقرة / ۲۲۹

۲. النساء / ۳۵

«لَيْسَ لِلْحَكَمَيْنِ أَنْ يَفْرَقَا حَتَّى يَسْتَأْمِرَا الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ وَيَشْتَرِطَا عَلَيْهِمَا إِنْ شِئْنَا جَمَعْنَا وَإِنْ شِئْنَا فَرَقْنَا، فَإِنْ جَمَعَا فَجَائِزٌ، وَإِنْ فَرَقَا فَجَائِزٌ»^۱؛ «دو داور نمی‌توانند زن و شوهر را از هم جدا کنند، مگر اینکه از آن دو اذن گرفته باشند و با آن دو شرط کرده باشند که اگر خواستیم به نزد هم برگردانیم و اگر خواستیم از هم جدا کنیم، در این صورت اگر به نزد هم برگردانند، جایز است و اگر از هم جدا کنند، جایز است».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب شاهنشاهی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱؛ الکافی للکلینی، ج ۶، ص ۱۴۶؛ من لایحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۵۲۱؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۸، ص ۱۰۳.